**رویه و نظریات قضایی**

**رأي اصراری به شماره ۳۰۸۲ مورخ 17/2/ ۱۳۳۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

«معاملات صغیر ممیز، غير نافذ است.»

**رأی شماره ۱۴ مورخ ۹۲/ ۱ / ۱۸ شعبه ۳ دیوان عالی کشور**

«جنون، موقعی موجب حجر است که موجب اختلال تام مشاعر و اراده شود. بنابراین هر نوع جنون که از امراض روانی بوده و موجب افسردگی شده باشد؛ ولی اراده و مشاعر را مختل نکند. قانونا و شرعا موجب حجر و سلب مسئولیت نیست».

**نشست قضایی دادگستری رشت، اسفند ۸۰**

«چنانچه در دادگاه ثابت شود که یکی از طرفین، مبتلا به بیماری جنون ادواری است، در صورتی حکم به بطلان معامله خواهد داد که ابتدای یکی از متعاقدین را در حین معامله به جنون احراز کند و بنا بر مقتضای اصل صحت، در این دعوا بار دلیل بر عهده مدعی ابطال معامله به لحاظ جنون طرف دیگر در هنگام معامله می باشد. مگر این که حکم حجر در جنون غير ادواری، صادر و به تاریخ معامله هم تسری داده شود».

**نشست قضایی دادگستری بانه، مرداد ۸۳**

«مطابق ماده ۲۰ قانون امور حسبی، اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی در مواردی است که در قانون تصریح شده است. در فرض سؤال، چنان چه قیم با تصویب دادستان، مطابق ماده ۸۳ قانون امور حسبی، اقدام به فروش مال غیر منقول محجور کرده باشد، در صورت کشف فساد یا عدم رعایت غبطه صغیر، قیم، ضامن خسارت وارده می باشد و دادستان می تواند، عزل او را از قیمومیت از دادگاه درخواست کند. قيم جدید حسب مورد در جهت استیفای حقوق محجور و رعایت غبطه و حفظ حقوق وی اقدامات لازم را معمول و عندالاقتضا با نظارت دادستان نسبت به طرح هرگونه دعوای مقتضی، اقدام می کند. با این ترتیب با توجه به مقررات قانون امور حسبی، دادستان تکلیفی به تقدیم دادخواست ندارد».